

توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند

نوشته شری رام مهنواری^۱

گروه بوده و توسط قانون ۱۹۶۹ دولت هند معرفی شده بود، درآمد اگرچه عبارتی که در آن زمان به کار رفته بود، فعالیت سازماندهی ملی بود. براساس نمایندگان منتخب مردم که حال «وزراء نامیده می‌شوند سازمانهای سازماندهی ملی را رهبری کرده و از این رو به طور مستقیم در ایفای وظایف توسعه دخیل بوده‌اند به هر حال نامگذاری «مدیریت توسعه» از جنگ جهانی دوم انجام شد. اقتضای نامگذاری این عبارت به یک مدیر هندی به نام «بی. ال. کسواپتی»^۲ تعلق دارد که در سال ۱۹۵۵ مقالهای با عنوان «ساختار مدیریت توسعه در هند در نشریه اداره امور دولتی هند به چاپ رسانید»^۳.

با شروع استعمار زدانی در پایان جنگ جهانی دوم، (۱۹۴۵-۱۹۳۹)، توسعه هدف اصلی کشورهای تازه استقلال یافته‌ای، همچون هند شد. برای نیل به چنین هدفی، برنامه‌های پنج‌ساله پایه‌ریزی شده و یک ماشین برنامه‌ریزی که بالاترین سطح آن کمیسیون برنامه‌ریزی بود تأسیس گردید. فقر مسئله آشکار در چنین کشورهایی بود و توسعه تقریباً به صورت فطری راه توسعه اقتصادی را در پیش گرفت.

شکی نیست که توسعه قدمتی همچون تمدن بشری دارد، اما به عنوان یک نفوذ و تأثیر آگاهانه در مقیاس و سطح جهانی به سختی ۲۵ سال از عمر توسعه می‌گذرد. امروزه توسعه اولویت اول بشری است. کوشش در راه توسعه نتایج زیبایی را نیز در برداشته است. این امر نتیجه دانش و تکنولوژی است که انقلابی در زندگی انسان بوجود آورده است. در بسیاری از کشورها عواید چشمگیری در زمینه‌های بهداشتی و آموزش حاصل شده است. قابل ذکر است که بسیاری از کشورها درآمد خود را تا بیش از ۵ برابر افزایش داده‌اند^۴ و این سرعت پیشرفت خلق رفاه است. پیشرفتهای دیگری در زمینه‌های دیگر نیز حاصل شده است. با این وجود، بیش از یک میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق بسر می‌برند و به منابع آموزش، بهداشت، زیربنا، زمین و اعتبار که برای بهبود زندگی آنها ضروری است دسترسی کافی ندارند.

در هندوستان توسعه به صورت یک فعالیت خودآگاه، سازمان یافته و منظم دولت برای اولین بار تحت حکومتی که در آن قدرت در دست دوجنر یا

۱- این نوشته در پنجاهمین کنفرانس سازمان منطقه‌ای آسیا برای مدیریت دولتی (اروپا) که ۱۰ تا ۱۷ آپریل ۱۹۷۷ در تهران برگزار گردید توسط نویسنده ارائه شده است.

۲- گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۱، صفحه ۱.

۳- نشریه اداره امور دولتی جلد ۱ آوریل و ژوئن، صفحات ۱۱۸ و ۱۱۹.

شود. بعلاوه توسعه باید به حق نسلهای آینده برای یک زندگی آبرومندانانه احترام بگذارد. در نتیجه یک تجانس بین نیازهای نسل فعلی و نسلهای بعدی که هنوز به دنیا نیامده‌اند ایجاد نماید.

مفهوم توسعه طرفدار محیط زیست در هند:

یک تمدن باستانی همچون هند به اهمیت محیط زیست در زندگی انسان به خوبی پی برده است. احترام به محیط زیست در جسم و روان هند ریشه دوانده است. زیرا احترام به محیط زیست با فرهنگ و دین هند به طور جدایی ناپذیری در هم آمیخته است. این مسئله در مورد حمایت محیط زیست از جانب اداره امور دولتی کشور نیز صدق پیدا می‌کند.

زمانی که کمیته پاکسازی هند به رهبری هلرد اینجیب (۱۹۲۲) سخت مشغول پاکسازی کارکنان و توصیه اقدامات اقتصادی دیگر بود، سازمان جنگلیاتی استانیهای متحد برای بازرسی دقیق وارد میدان شد. رهبر محیط زیست استانیهای متحد، «اج، جی، بیلسون» در نامه خود به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۲۳، با وضوح تمام اهمیت حیاتی محیط زیست را تشریح کرد. جا دارد بخشهایی از آن نامه را در این جا نقل کنیم:

«من مقدمه گفتار خود را با بیان این مطلب آغاز می‌کنم که در مورد سازمانهای همچون جنگلیاتی این اشتباه هست که تصور کنیم می‌توان با آن از هر جهت مانند سازمانهای دیگری که هیچ نقشی در نگهداری

در نتیجه برنامه‌ریزان متوجه شدند که توسعه اقتصادی به تنهایی کافی نیست و پیشرفت در بخشهای غیراقتصادی دیگر زندگی یعنی بخش خدمات اجتماعی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. به عبارت دیگر توسعه کمی، جامع‌تر و فراگیرتر شد و در مفهوم و محتوی تبدیل به اقتصادی اجتماعی، گردید و این نتیجه به دست آمد که دیگر نظریه رشد آرام اعتباری ندارد.

بنابراین رهبری ملی توجه خود را معطوف رشد همراه با عدالت اجتماعی کرد. در مورد هند این مرحله در حدود دهه ۷۰ شروع شد و به سرعت شتاب گرفت. برخی از کشورها موفقیت زیادی در ایجاد یک تعادل پویا بین رشد و عدالت اجتماعی کسب نکردند. گاهی به نظر می‌رسید که هند بیشتر مشغول عدالت اجتماعی است تا پیشرفت اقتصادی. واضح است که تعداد بازدهی اقتصادی نیز نباید به طور همزمان افزایش یابد، زیرا در آن موقع است که توزیع معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

با توجه به این مسئله، محتوای توسعه را نباید دگرگون ساخت. در این تعریف از توسعه، انسان تعادل به خود محوری داشته و خود را هم انجام دهنده و هم انجام گیرنده کرده است. باید به خاطر داشت که انسان از آنجایی که یکی از ساکنان کره زمین است باید یک حالت افتادگی و تواضع را در خود حفظ و توسعه را به معنی جمع آن که شامل گیاهان و حیوانات نیز می‌شود، تعریف کند. این امر باید شامل کل اکوسیستم

و توسعه املاک با ارزش ندارند رفتار کرد. صحبت از کاهش بیشتر هزینه‌ها به عنوان عملی ضروری بسیار ساده است؛ اما اگر شما به کاهش هزینه‌های جنگل‌بانی از حد معینی پایین‌تر ادامه دهید، بزودی درخواهید یافت که ارزش سرمایه‌ای املاک به جای اضافه شدن کم می‌شود. و این نتیجه اجتناب‌ناپذیر عائد خواهد شد که درآمد شما هر ساله با قطع درختان به تعداد بیشتر از آنچه جای آن در جنگلها درخت کاشته شود، سرعت بالا می‌رود و این امر می‌تواند برای مدت دو یا سه دهه ادامه داشته باشد بعد از آن دوره رکود خواهد آمد، جنگلها نابود می‌شود و درآمد به سطح ناچیزی سقوط می‌کند!

یک مورد قانع‌کننده‌تری در رابطه با محیط زیست را به سختی می‌توان در مدارک اداری یافت. هیچ خط فاصلی بین توسعه و محیط زیست وجود ندارد. به طور ساده و خلاصه، بشر می‌تواند به قیمت زبان دیدن خود محیط زیست را نادیده بگیرد. بسیاری از مسائلی را که مردمان کشورهای صنعتی از آن رنج می‌برند، می‌توان به نحوی با صلحه زدن به محیط زیست ربط داد توسعه باید نگرانیها و تضییقات مربوط به محیط زیست را به حساب آورد. غفلت از محیط زیست، زندگی نسل حاضر و به همان اندازه به کیفیت زندگی نسلهای آینده صلحه وارد می‌کند. محیط زیست ممکن است نیاز به انسان نداشته باشد، ولیکن انسان باید نیازمند به محیط زیست یعنی محیط

زیست سالم و تمیز باشد. رابطه بین توسعه و محیط زیست دو طرفه است. غفلت از محیط زیست می‌تواند اهداف توسعه را تضعیف کند.

اولاً - آب سالم و با کیفیت طبیعی و هوای شیرآلوده از لحاظ پزشکی حائز اهمیت است و به طور مستقیم در توسعه مشارکت دارد.

ثانیاً - صلحه به محیط زیست می‌تواند بهره‌وری نسلهای آینده را تضعیف نماید. خاکی که کم سبز می‌شود و اکوسیستم‌هایی که امروزه به نام کسب درآمد نابود می‌شوند به دورنمای کسب درآمد در آینده صلحه وارد می‌کنند. منطبق نوع جدید توسعه در ارزیابی مجدد محتوای آن و عملکرد دولتهای ملی در این رابطه قرار دارد.

به نظر می‌رسد که دنیا به سرعت در حال کوچک شدن است و از کلمه «دهکده جهانی» برای تأکید به یکی بودن و وابستگی به یکدیگر تمام کشورها اعم از بخشی از جهان اول، دوم (۲) و سوم استفاده می‌شود. توسعه‌ای که تاکنون انجام گرفته است، اگرچه از لحاظ محدوده فعالیت گسترش یافته، ولی با این وجود نشان داده که از نظر نلانیهای که در مقابل بشر قرار دارد، ناکافی و محدود است.

براستی که انسان به نام توسعه در حال چپاول کره زمین بوده این مسئله‌ای بود که حتی به طور مقطعی، هم باعث برانگیخته شدن نگرانیهای شده. تعدادی از

متفکرین شروع به جلب توجه انسان به نابود سازی منظم منابع دنیا که اغلب جبران‌ناپذیر بود کردند. انسان در حال نابودی محیط زیستی بود که از لحاظ تاریخی در آن زیست کرده و از لحاظ بیولوژیکی به آن وابسته بود. در اوایل دههٔ هفتاد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل با عنوان کردن این مطلب که سلامت محیط زیست برای اقتصاد سالم و توسعه سالم ضروری است بر محل تلاقی محیط زیست و توسعه تأکید کرد. این طرز فکر در کنفرانس محیط آسانی سازمان ملل که در تابستان ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد به اوج خود رسید و میان ماور که انتظار می‌رفت، نمایندگان بیش از ۱۱۳ کشور که البته شامل نخست‌وزیر وقت هند خانم «ایندیرا گاندی» بود، شرکت کردند. قبل از آن هئیت کارشناسان توسعه و محیط زیست که در ژوئن ۱۹۷۱ در سوئیس با یکدیگر ملاقات کرده بودند، مسئلهٔ حمایت و بهبود محیط زیست را در چهارچوب نیاز فوری کشورهای در حال توسعه به توسعه مورد توجه قرار داده بودند. توسعه‌های این هئیت که معروف به اجلاس فونکس FOUNEX بود محور اصلی مباحث در یک سری از سمینارهای منطقه‌ای با همان مضمون گردید.

کنفرانس محیط زیست بشری در استکهلم (۱۹۷۲):
 کنفرانس محیط زیست بشری که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد، بیش از هر چیز دیگر بر نیاز فوری برای اقدام ملاحظات محیط زیست در بسیاری از سخنرانان بیانیهٔ دبیر کل کنفرانس را مبنی بر اینکه نیاز به برخورد بین مسئله توسعه و مسئله محیط زیست وجود ندارد و حمایت از فعالیت برای حفاظت از محیط زیست باید در قالب کمک‌های

داشته باشند که مخارج را متقبل شوند. تعداد زیادی از سخنرانان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته قبول داشتند که دنباله‌روی بیرحمانه از تولید ناخالص ملی بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر از قبیل محیط زیست باعث ایجاد شرایط زندگی می‌گردند که معایر شأن و عزت انسانها بود.

لزوم وجود بهداشت، سرانه و آب و هوای تمیز جزو حقوق و نیازهای انکارناپذیر انسان است.^۵

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (بروندلند (BRUNDT LAND)، ۱۹۸۷

هنیاری نسبت به طرز فکر فوق‌الذکر ظهور آخرین تجسم توسعه در دنیا را نشان می‌دهد که توسعه پایدار نامیده می‌شود. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار این عبارت را ابداع کرد؛ توسعه پایدار را به عنوان توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را بدون زیر سوال بردن توانایی نسلهای آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌نماید، تعریف می‌کند.^۶ این امر شامل دو مفهوم اصلی است: اول آنکه مفهوم نیاز ما، بخصوص نیازهای اساسی فقرا در دنیا که امروزه اولویت درجه اول انسان است در خود کلمه توسعه پایدار مستتر است. ثانياً توسعه پایدار در سرگیرنده آینده محدودیت‌هایی است که توسط وضعیت تکنولوژیکی و سازماندهی اجتماعی و

توسعه و با توجه کافی به عوامل محیط زیستی به طور چشمگیری افزایش یابد؛ مورد تأیید قرار دادند. حضاار بر این مسئله توافق داشتند که فلسفه علم رشد مطلقاً غیر قابل قبول است. بسیاری از سخنرانان کشورهای در حال توسعه بیان داشتند که کشورهای توسعه یافته از منابع طبیعی آنها برای مقاصد خودشان سوء استفاده می‌کنند و برخی به فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی اعتراض دارند. بسیاری از نمایندگان نیز از اعمال کشورهای توسعه یافته که اثر مستقیم بر کشورهای در حال توسعه دارند، گلّه‌مند هستند. نیاز به استفاده مؤثرتر و با اسراف کمتر از منابع طبیعی کاملاً مورد تأیید قرار گرفته. به نظر بسیاری از سخنرانان تنها معیار معتبر موفقیت برنامه‌های محیط زیست، بهبود چشمگیر در زندگی اکثریت عظیم انسانها بود. برای نیل به این هدف، کشورهای توسعه یافته می‌باید نقطه نظر کاملاً جدیدی را در رابطه با مسئولیتهای خود اتخاذ کنند. بسیاری از سخنرانان کشورهای در حال توسعه خواستار رفع موانع تجاری حمایتگرانه علیه تولیدات کشورهای خود بودند و تعدادی دیگر در قبال خطر افزایش قیمت کالا توسط کشورهای توسعه یافته برای تأمین مخارج مربوط به بهبود محیط زیست، هشدار دادند. این مسئله غیر قابل تحمل بود که کشورهایی که خود مسئول بوجود آمدن مسائل محیط زیست در دنیا بودند از دیگران انتظار

۵- گزارش کنفرانس محیط زیست بشری سازمان ملل متحد، نیویورک، سازمان ملل، ۱۹۷۲. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (بروندلند (BRUNDT LAND)

۶- کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، آینده مشترک ما، نیویورک، بنگاه انتشاراتی دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۷، صفحه ۴۳.

همچنین توانایی محیط زیستی در نیازهای فعلی و آینده تحمیل می‌شود این امر به نوبه خود -مانکی از آن است- که اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی باید از لحاظ پایداری آن در تمام کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه و دارای اقتصاد متمرکز و یا مبتنی بر بازار تعریف شود.

حرکت از روند رشد اغلب مخرب عملی توسعه پایدار و مستلزم یک استراتژی بسیار موزون و یکپارچه می‌باشد. این امر شامل موارد ذیل می‌شود:

- اجبای رشد.

- تغییر کیفیت رشد

- تامین نیازهای از قبیل شغل، غذا، انرژی، چیزهای نایاب و بهداشت.

- تضمین یک سطح قابل تحمل جمعیت.

- حفظ و توسعه اساس منابع.

- جهت دادن دوباره تکنولوژی و کنترل مخلفات.

- ادغام محیط زیست با اقتصاد در تصمیم‌گیری‌ها.

توسعه‌ای که پایدار است باید به طور اجتناب‌ناپذیری به مسئله تعداد زیاد مردمانی که هنوز در فقر مطلق زندگی می‌کنند، بپردازد. فقر توانایی مردم را در کارکردن مداوم تضعیف می‌کند و فشار بر محیط زیست را زیاد می‌کند. در حدی که نرخ رشد قابل دسترسی طبیعتاً فرقی نخواهد کرد، به یک میزان حداقلی از رشد نیاز است برای اینکه بر فقر مطلق اثر گذاشت. باید تأکید کرد که توسعه پایدار بیشتر از رشد صرف است. این نوع از توسعه تغییر در محتوای رشد

را الزام می‌کند و یا به عبارت دقیقتر آن را از لحاظ مادی کم فشارتر و از لحاظ اثر عادلانه‌تر می‌کند. توسعه اقتصادی زمانی ناپایدار می‌شود که آن آسیب‌پذیری را تبدیل به بحران‌هایی بکند. به عنوان مثال: خشکسالی ممکن است باعث کشتار حیوانات شود. کاهش قیمت‌ها ممکن است کشاورزان را وادار به استفاده بیش از حد از منابع طبیعی برای حفظ درآمد خود کند. اما با استفاده از تکنولوژی‌هایی که خطرات تولید را کاهش می‌دهند می‌توان آسیب‌پذیری را به همان اندازه کاهش داد. راه توسعه‌ای که رشد و آسیب‌پذیری کمتر را در هم می‌آمیزد مسلماً پایدارتر از راهی است که این کار را نمی‌کند.

توسعه پایدار:

باید گوشزد کرد که توسعه پایدار موافق یک استراتژی توسعه از بالا به پایین و مبتنی بر رشدی که تاکنون اعمال می‌شده است نمی‌باشد. توسعه پایدار بر پایه بسیاری انسان‌های موجود و منابع طبیعی کمره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همه انسان‌ها چه آنهایی که در کشورهای شمال و چه آنهایی که در کشورهای جنوب زندگی می‌کنند می‌باشد. توسعه پایدار مخالف سبک زندگی که مبتنی بر مصرف بیش از اندازه و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است. می‌باشد. همچنین توسعه پایدار زندگی مردمان فقیر دنیا را غیرقابل قبول می‌داند و به آنها تولید زندگی مناسب با شأن و

شخصیت آنها می‌دهد.

این شهرها نباید بجای مقررات صرف دولتی

توسط سیاستهای تشویقی مورد حمایت قرار گیرند.

توسعه، خواهان آن است که مصرف برخی از منابع طبیعی که حداقل پایدار هستند باید حاوی سه عنصر اساسی باشد:

بهرمهای تضمینی که شدت از آن حمایت می‌شود، باید کنترل شود و برای این منظور حامیان توسعه

۱- پایدار بودن در رابطه با منابعی که در دسترس نسلهای فعلی و آینده است.

پایدار باید. گروههای طرفدار مشابه را شناسایی و با ایجاد نمایندگانی از آنها حمایت کنند. حفظ گروههای

۲- پایدار بودن در رابطه با محیط زیستی که به قدر کافی سالم باشد.

طرفدار در برگزیده حداقل مشارکت محلی به عنوان بخش مهمی از توسعه پایدار باشد. خلاصه مباحث

۳- پایدار بودن در رابطه با دارای وجه اشتراک بودن، مفهوم اشتراکات بین‌المللی و حفاظت از میراث مشترک بشریت.

فوق‌الذکر این است که ضروریات توسعه پایدار سیاسی، اجتماعی و اداری و شامل موارد ذیل است:

توسعه پایدار مسئله‌مزم قبول یک رشته از مقررات انضباطی است. اولین و مهمترین وظیفه، وضع یک

یک سیستم تولیدی که متحد شود اسان اکولوژیکی را برپای نوسه، دست‌نخورده نگاه دارد.

سلسله سیاستهای یکپارچه برای توسعه پایدار است. سیاستگذاری مؤثر باید شامل موارد ذیل باشد:

یک سیستم اجتماعی که راه‌حلهایی برای تشوهای ایجاد شده توسط توسعه ناموزون ارائه دهد.

رهبری ملی باید تعادل تجاری را بین درآمد و کیفیت محیط زیست در یک دورنمای دراز مدت

یک سیستم اقتصادی که قادر به ایجاد مزاد و دانش فنی به یک اسان پایدار و متکی به خود باشد.

ایجاد کند. این امر بخصوص برای کشورهای در حال توسعه مانند هند که در آن فشار برای تأمین نیازهای

محیط زیست و قوانین بین‌المللی:

فعلی سنگین و پابرجاست حائز اهمیت است. سیاستها و استانداردها باید به طور واقع‌بینانه ایجاد

مسائل محیط زیست توجه مجامع بین‌المللی را به خود جلب کرده و گروههای طرفدار محیط زیست

گردند. به علاوه اینها باید با تواناییهای نظارتی و اجرایی اداره امور دولتی کشور شفاف‌نشد باشد.

مسیحون «دوستان گرم زمین»، گروه طرفدار صلح (GREEN) و صندوق جهانی طبیعت (WWF)

بنازدهی نباید به طور مرتب به درون سیستم سیاستگذاری رانده شود. سیاستهای محیط زیست

خواستار همکاری جهانی در این رابطه شده‌اند. وظیفه فوری دبیران این ضرباتهای زندگی بخش در

باید با فرهنگ کشور همسر و در نتیجه از لحاظ اجتماعی جذاب باشد.

قالب قوانین بین‌المللی بود. برای اولین بار پروتکل ضمیمه کنوانسیون ۱۹۷۹ زون حق انسان برای استفاده

شد، به سرعت دگرگون شده است؛ اما حالا که در سال ۱۹۹۳ هتیم این قانون از کاستیها و اختلافات اساسی ریح می برد، همان گونه که «ناچندر اسینگ» می گوید: «شواهد و نتیجه گیریهای بسیاری در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مقبولیت و عملی بودن ابقاء یک سیستم بین المللی را که نمی تواند جلو صدمه زدن به اساس اکولوژیکی توسعه و دورنمای بقای دیگر کشورها و احتمالاً تمام کشورها را توسط یک یا چند کشور بگیرد، به زیر سؤال می برد^۸». بدون شک مخارج توسعه پایدار سنگین است، اما این هزینه ها و فنی که منافع بالقوه آن در نظر گرفته شود، متعادل می شود. نأمین هزینه های مربوط به کارهایی همچون تثبیت شرایط خاک، افزایش حمایت از جنگلها و زیست گاههای طبیعی، بهبود کیفیت آب و هوا، دسترسی جهانی به بهداشت و آب بهداشتی و از این قبیل مشکل است، لذا ضروری است ملتها فعالیتهای مشترکی را در این مورد انجام دهند و این مشارکت باید به شدت مورد تأکید قرار گیرد. باید به خاطر داشت که دانش بیشتر و تکنولوژیهای جدید امروزه فقط در دسترس کشورهای ثروتمند است. آنها نیز متقابلاً باید هزینه های مربوط به مسائل محیط زیست مخصوصاً مسائلی که خود باعث بوجود آمدن آنها هستند از قبیل گرم شدن دمای کره زمین (اثر گلخانه ای)، از بین رفتن

از طبیعت را در مفهوم بزرگتر بقای بشری مورد شناسایی قرار داد. اگرچه حمایت از محیط زیست که در پروتکل ۱۹۷۷ تبیین شده است در چهارچوب رفاه تصور می شود، اما به روشنی اعلام می دارد که صدمه زدن به محیط زیست ممنوع می باشد. بنابراین واضح است که چنین ممنوعیتی در زمان صلح نیز قابل اجرا است، بازگرافهای این پروتکل عبارتند از:

پاراگراف ۲۵- به کاربردن روشهایی... که هدفشان... صدمه زدن به محیط طبیعی زیست است، ممنوع است.^۹

پاراگراف ۳۶- در مورد رفاه باید دقت به عمل آید تا محیط زیست طبیعی در مقابل صدمات شدید و گسترده در بلندمدت حمایت شود. چنین حمایتی شامل ممنوعیت استفاده از روشها و ابزارهای رفاهی است که هدفشان ولود آوردن چنین صدماتی به محیط زیست طبیعی بوده و نتیجتاً برای سلامت نای جمعیت تبیح نالاق می شوند.^{۱۰} حتی استفاده از محیط زیست از این رو در همان گروه و دارای همان قدرتی است که حق زندگی کردن داراست و در تمام زمانها اعم از زمان جنگ و زمان صلح قابل اجراست.

با این وجود واقعیت مسلم این است که چهارچوب حقوق بین الملل برای حمایت از توسعه پایدار ضعیف است. این حقیقت دارد که قوانین بین المللی مربوط به محیط زیست از زمان کنفرانس محیط زیست که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل

۸- پروتکل ۱، بخش سوم

۷- (پروتکل ۱، بخش سوم قسمت اول: پاراگراف ۲۵).

۹- (ناچندر اسینگ): حق محیط زیست و توسعه پایدار بعنوان اصل نوین بین المللی در ژورنال توسعه قوتین هند، جلد ۲۹، شماره ۲ - جولای - سپتامبر ۱۹۹۷، صفحات ۲۹۶ - ۲۹۳.

لایه محافظتی آژن، افزایش سطح آب دریا و نابودی جنگلها و غیره... را تأمین کنند.

در خاتمه توسعه پایدار باید یک اساس اکولوژیکی سالم را برای خود ایجاد کند، برنامه‌های ویژه برای تقویت تواناییهای حرفه‌ای و تشکیلاتی که برای این کار لازم است، به مورد اجرا گذاشته شوند. از حالا به بعد برنامه‌ریزان ملی و بین‌المللی محیط زیست باید هر فعالیتی را که متقبل می‌شوند، مورد توجه قرار دهند. تأثیرات سیاستهای دولتی بر محیط زیست باید به طور مرتب ارزیابی شود. چون فقط یک کره زمین وجود دارد و وظیفه خطیر آن است که دنیا را نیز یکی کنیم.

توانایی ایجاد توسعه پایدار:

آنچه در برابر ماست، بیانگر دستور کار خطیری برای ادارات امور دولتی جوامعی است که بیشتر آنها، در مرحله ابتدایی توسعه هستند. امروزه هر کشور مهمی دارای یک ماشین اداری است تا به مسائل اکولوژیکی رسیدگی کند و کشور هند نیز در این رابطه عقب نمانده است. هند در حقیقت قدمهای تشکیلاتی زیادی برای افزایش تواناییهای اداری خود در برخورد با مسائل محیط زیست برداشته است. در سال ۱۹۷۲ دولت هند شورای ملی هماهنگی و برنامه‌ریزی محیط زیست را تأسیس کرد تا مسائل مربوط به حفظ و بهبود محیط زیست بشری در آن کشور را شناسایی و مورد تحقیق قرار دهد و راه

حلهایی برای مسائل محیط زیست پیشنهاد کند. هشت سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۰ یک کمیته قدر تعند دیگر بنام کمیته تیواری TIWARI COMMITTEE تشکیل شد تا اقدامات قانونی و یک دستگاه اداری را برای تضمین حفظ محیط زیست مورد بررسی قرار داده و پیشنهاد کند.

بنابر توصیه این کمیته سازمان محیط زیست در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد تا به عنوان یک آژانس مرکزی در ساختار اداری دولت مرکزی برای برنامه‌ریزی، اشاعه و هماهنگی برنامه‌های مربوط به محیط زیست فعالیت کند. این سازمان در سال ۱۹۸۵ به صورت بخشی از وزارتخانه جدید محیط زیست و جنگلها درآمد. این وزارتخانه ارگان مرکزی تحت نظر دولت هند برای برنامه‌ریزی، اشاعه و هماهنگی برنامه‌های مربوط به محیط زیست و جنگلهاست. فعالیتهای این وزارتخانه شامل سررسی و حفظ نباتات و جانوران، جلوگیری و کنترل آلودگی، جنگلکاری و احیای زمینهای متروکه، ارزیابی تأثیرات، تحقیق و حفاظت از جنگلها و آموزش و اطلاعات است. هیئت ملی توسعه زمینهای بی حاصل و اداره پروژه گنگا از اجرای اصلی این وزارتخانه می‌باشد.

اغلب کشورها برای خود سازمانهای محیط زیست، هیئتهای کنترل آلودگی و دیگر ارگانهای مربوط را تأسیس کرده‌اند. سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف دیگر از جمله شهرسازی، اقیانوس شناسی، منابع انرژی غیر صنعتی و غیره در سطوح ایالتی یا

مرکزی نیز با جوانب گوناگون محیط زیست در ارتباط هستند. هماهنگی بیشتر در میان این آژانسهای گوناگون اعم از دولتی و غیردولتی تلاشهای مربوط به حفظ محیط زیست را تقویت خواهد کرد.

دفترچه راهنمای سازمانهای غیردولتی محیط زیست که توسط صندوق جهانی طبیعت و دنیای وحش شعبه هند در سال ۱۹۸۹ منتشر شد، حاوی فهرست ۸۵۰ آژانس داوطلب به نام سازمانهای غیردولتی بود که در زمینه محیط زیست فعالیت می‌کردند. اما احتمالاً تعداد این گونه سازمانها حداقل چهار برابر این عدد است. همان طور که دبیر کل WWF می‌گوید: «ارگان بسیار وسیع سازمانهای غیردولتی به دلیل وجود رابطه بسیار روشن بین رشد پایدار، عادلانه و با معنی اقتصادی و محیط زیست، در جبهه محیط زیست فعال می‌شوند... به عنوان نمونه،

مبارزه ملی برای هشيار سازي در مقابل محیط زیست که توسط وزرات محیط زیست گسترش یافت، موفق به تشویق بسیاری از سازمانهای غیردولتی شد که هدفهای اصلی آنها توسعه روستایی، رفاه قبایل و غیره بود.

رابطه متقابل بین سازمانهای غیردولتی و دولتهای ایالتی به طور وسیعی محدود به مسائل عملیاتی (ترخیص، اطلاعات، توصیه و غیره) است در حالی که برای حمایت تکنیکی و مالی باید متکی به آژانسها و سازمانهای مرکزی گوناگون باشد. به هر حال اکنون

تلاش هماهنگی از جانب دولت برای استفاده از دانش و تجربیات آن برای برنامه‌های خود آنها در جریان است.^{۱۰}

مأموریت سازمانهای غیردولتی عبارت است از: برپایی سفرهای علمی، اکتشافی و اشاعه اطلاعات مربوط به اکوسیستم در میان آژانسهایی که با مسائلی همچون ایجاد مشاغل سودآور، آبادانی سرزمینهای برحاصل، احیای جنگلکاری قبایل و تهیه وسایل کمک آموزشی سروکار دارند. آنها ممکن است به کوچکی گروههای دو یا سه نفره و یا به بزرگی سازمانهایی با اعضای بیش از ۸۰۰ نفر باشند. کاربری آنها نیز متفاوت است. بعضی از آنها اساساً اهداف سطحی را دنبال می‌کنند؛ ولی سازمانهای داوطلبی هم وجود دارند که دارای ریشه‌های عمیقی در نواحی روستایی می‌باشند.

نشانه مهم هشيار هند در مقابل محیط زیست افزایش حرکت‌های مردمی است که ساختارهای سیاسی و اجتماعی و الگوهای توسعه موجود را به مبارزه می‌طلبند و راههای جایگزین دیگری را نشان می‌دهند. اینها نه تنها منتهی به اقدام اساسی و ریشه‌ای شده‌اند بلکه در شکل‌گیری سیاستهای توسعه‌ای کمک می‌کنند. ادغام ملاحظات مربوط به محیط زیست در برنامه‌ریزی توسعه وظیفه ساده‌ای نیست. اگر این مسائل بوسیله یک اراده و همچنین توانایی اتخاذ اقدام بهینه‌سازی، حمایت نشوند، چیز زیادی را

۱۰- به نقل از گزارش کشوری تهیه شده توسط ستاد کنفرانس سران کشورها در ريو دژانیرو در سال ۱۹۹۲.

نمی‌توان کسب کرد. مسائل توسعه و محیط زیست پیچیده است و راه‌حلهای ساده و عمومیت یافته نمی‌تواند وجود داشته باشد. باید جوابهایی که از لحاظ اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در یک محیط معین با هم همسویی دارند یافت. با در نظر گرفتن وسعت و تنوع کشوری چون هند این وظیفه بی‌نهایت مشکل می‌شود. بنابراین به هنگام در نظر گرفتن قوانین و سیاستهای مناسب در برنامه‌ریزی و به همان اندازه در بر وجود آوردن مکانیزم اجرا، تخصص و تجربه مورد نیاز است.

امروزه هند دارای وزارتخانهٔ تکامل یافته محیط زیست و جنگل‌هاست و روشهای پرسنلی آن در سازمانهای سنتی متداول است. پستهای ارشد تصمیم‌گیری بدون چون و چرا توسط خدمات اداری هند که یک سازمان دیوان سالاری است اشغال شده و دانشمندان جای خود را در سلسله مراتب دیگری می‌یابند. این واقعیت وجود دارد که این کشور سیستم

عظیم بوروکراسی در رابطه با محیط زیست را ایجاد کرده است. اما اجرای قوانین محیط زیست ضعیف و در سطح اجرایی تهوع آور است. مأمور این اجرا که در آنجا در سطوح پایین اجرایی کار می‌کند دارای انگیزهٔ قوی نیست و از قنوت خود نه برای تبلیغ محیط زیست پاکیزه بلکه برای اهداف گشای شخصی استفاده می‌کند. اینها نقطه ضعفهای جدی هستند که باید مرتفع شوند. یک کشور عظیم و بالقوهٔ نفت خیزی همچون هند باید در مجامع جهانی حضور پیدا کند و در دگرگون سازی معاهدات، قراردادها و کنوانسیونهای بین‌المللی مشارکت داشته باشد. از همه مهتر با تأکید فزاینده بر تصمیم‌گیری غیر متمرکز و برنامه‌ریزی شورده، چنین توانمندی فوریت بیشتری پیدا می‌کند. این توانایی باید بشوند کاری کند که تصمیم به روش غیر متمرکز گرفته شود، تصمیمهایی که راه‌حلهای وارداتی نبوده؛ اما برای یک موقعیت ویژه مناسب باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رسالهٔ جامع علوم انسانی